

رابطه سبک فرزند پروری والدین با تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران در سال ۹۶

فاطمه حسینی^۱، مهشید ایزدی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکزی-تهران ایران

^۲ استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی-تهران ایران

نویسنده مسئول:

فاطمه حسینی

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک فرزند پروری والدین با تاب آوری دانش آموزان پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران در سال ۱۳۹۶ انجام شد. روش پژوهش مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر تهران بودند که از این جامعه ۱۹۶ دانش آموز به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند و تاب آوری کونور و دیوید سون استفاده شد داده ها به کمک روش آماری همبستگی پیرسون تحلیل شدند نتایج پژوهش نشان داد سبک فرزند پروری مقتدرانه و مستبدانه رابطه مثبت و معنادار با تاب آوری دارد و سبک فرزندپروری سهل گیرانه رابطه منفی و معنادار با تاب آوری دارد.

کلید واژه : سبک فرزند پروری، تاب آوری، دانش آموزان پایه ششم

مقدمه

امروزه رویارویی و چالش با مشکلات روزمره بخشی از زندگی انسان شده است. یکی از سازه هایی که باعث تطابق و سازگاری هر چه بیشتر انسان ها با نیازها، چالش ها و تهدیدات زندگی می شود، تاب آوری است. (کاویانی، ۱۳۹۳)

گارمزی و ماتسن (۱۹۹۱) تاب آوری را "یک فرایند، توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز علی رغم شرایط تهدیدکننده تعریف نموده اند. از نظر کورنن (۲۰۰۷) افراد می توانند تحت آموزش قرار بگیرند تا ظرفیت تاب آوری خود را به وسیله آموختن برخی مهارت ها افزایش دهند. (خزائلی، ۱۳۸۶)

نحوه ارتباط والدین با فرزندان پایه های شخصیت کودک را می سازد و پندارهای کودک در مورد خودش را شکل می دهد. از طرفی همین ارتباط است که بعد ها طرز فکر فرد نسبت به دنیا را شکل می دهد. (مینوچین، ترجمه ثنائی، ۱۳۸۶)

به طور کلی، والدین خوب کسانی هستند که: چگونه دانستن، چگونه انجام دادن، چگونه با دیگران زیستن، چگونه شدن را به فرزندان خود یاد می دهند. (خورشیدی، ۱۳۸۱)

خانواده به عنوان یک عنصر اجتماعی، تربیت افراد جامعه را به عهده دارد بنابراین باید وظایفی را انجام دهد تا بتواند هم افرادی سالم تحویل اجتماع دهد و هم از آنها پشتیبانی کند. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶)

سبک های فرزند پروری، متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره هستند. (خواجه پور و عطار، ۱۳۸۸)

سبک فرزند پروری حول دو موضوع محبت و کنترل می گردد و این دو، پایه های تعریف سبک فرزند پروری هستند. این سبک ها شامل سخت گیرانه، سهل گیرانه، و مقتدرانه هستند. شیوه مقتدرانه بهترین روش است (به نقل از عاقبتی یکم یزدان دوست، طباطبایی، ۱۳۸۵)

شیوه فرزند پروری یکی از سازه های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می آید. (بامریند ۱۹۹۱ به نقل از یوسفی ۱۳۸۶)

سبک فرزند پروری با متغیر هایی همچون پیشرفت تحصیلی، عملکرد روانی اجتماعی، عزت نفس، خودکارآمدی، شایستگی اجتماعی، یادگیری خود نظم داده شده، استدلال اخلاقی ارتباط دارد (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۶)

بیان مسئله:

اسمیت (۲۰۰۶) معتقد است که تاب آوری فرآیندی است که موجب آگاهی فرد نسبت به توانمندی های خود می شود (به نقل از جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲)

تاب آوری قابلیت افراد در کنار آمدن با مشکلات و خطرات می باشد. افرادی که توان تاب آوری بیشتری دارند، قادرند در مقابله با انواع مشکلات عاطفی، شناختی، رفتاری و اجتماعی عملکرد مناسبی داشته و از سلامت روانی بالاتری برخوردار باشند (برک، ۲۰۰۴). بعضی افراد با وجود توانایی ها ی سطح بالا، دشواریها را به گونه ای جلوه می دهند که به نظر می رسد توانایی آنها اندک است و از اینکه تلاشهایشان به موفقیت بینجامد، نا امیدند. این نحوه رفتار، گاهی در قالب درماندگی آموخته شده تفسیر می شود که ناسازگارانه است. در مقابل، افراد دیگر مشکلات را به گونه ای می بینند که بر چالش هایی که در سر راه آنها هست، غلبه می کنند و از مشکلات ناراحت نمی شوند و حتی در وجودشان احساس لذت فائق آمدن بر چالش ایجاد می شود، در واقع این ها کسانی هستند که تاب آورند. (لوئیس، ۲۰۰۴)

گروتبرگ (۲۰۰۰) عشق و علاقه و بیان عقاید و باز بودن و تعامل میان اعضای خانواده را در تاب آوری مؤثر می داند. همچنین، گریل (۱۹۹۳) دریافت که کودکانی که در برابر فشار و استرس مقاوم هستند والدینی دارند که آن ها با روش های تربیتی مثبت بر خورد کرده اند و با زندگی کودکان درگیر هستند راهنمایی های بهتر و بیشتری را به آن ها ارائه می دهند (قره داغی، ۱۳۹۱)

دایانا بامریند، سبک های فرزند پروری را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- سبک پرورشی مقتدرانه ۲- سبک پرورشی مستبدانه ۳- سبک پرورشی سهل گیرانه

سبک های پرورشی مستبدانه، نیاز به اطاعت محض است. سبک پرورشی مقتدرانه متکی بر توان بخشی مثبت و این سبک مفیدترین روش پرورش کودک است. سبک پرورشی سهل گیرانه، گرایش کمی به مجازات و یا قوانین در این سبک وجود دارد. (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳).

مسئله اساسی در پژوهش حاضر آن است که آیا بین سبک فرزند پروری والدین و تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم رابطه وجود دارد؟
مبانی نظری:

تاب آوری ویژگی یا خصلتی نیست که برخی دارای آن باشند و برخی آن را نداشته باشند، به بیان دقیق تر، تاب آوری بیانگر تعامل بین انسان و محیط است. تاب آوری اشاره به ایستادگی در برابر خطر دارد اما یک پدیده تدریجی است و انباشت خطر می تواند حتی تاب آورترین افراد را نیز مغلوب سازد. راتر خاطر نشان می کند که تاب آوری نوعی تعامل با عامل خطر است یعنی ماهیتی رو به رشد دارد که از بیولوژی و تجارب اولیه زندگی منشاء می گیرد و عوامل محافظتی می توانند از طریق شیوه های مختلف در مراحل متفاوت رشد، عمل کنند. به عنوان مثال مراقبت های والدین در کودکی قویا محافظت کننده است، اما در نوجوانی یک چنین مراقبتی ممکن است مانع رشد سالم شود. (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) گر چه تعاریف زیادی از تاب آوری شده است اما به طور کلی واژه ی تاب آوری به عوامل و فرایندهایی اطلاق می شود که خط سیر رشدی را از خطر به رفتارهای مشکل زا و آسیب روانشناختی قطع کرده و به وجود شرایط ناگوار به پیامد های سازگارانه منتهی می گردد. (محمدی، ۱۳۸۴). همچنین، گریل (۱۹۹۳) با تمرکز بر عوامل خانوادگی مؤثر بر تاب آوری دریافت که کودکانی که در برابر فشار واسترس مقاوم هستند والدینی دارند که آنها با روش های تربیتی مثبت برخورد کرده اند و با زندگی کودکان درگیر هستند راهنمایی های بهتر و بیشتری را به آنها ارائه می دهند (قره داغی، ۱۳۹۱)

در زمینه های تربیت فرزندان، نظریه های متفاوتی وجود دارد که هر خانواده با توجه به امکانات خود می تواند، روش مناسب را مشخص و به کار بندد. خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزش ها و معیارهای فکری کودکان است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک زندگی فرد دارد. تأثیر خانواده به عنوان نخستین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان، امری بدیهی است. شاید بهترین تحقیق در زمینه ی سبک های فرزند پروری، مطالعات بامریند بر روی کودکان پیش دبستانی و دبستانی باشد. طبقه بندی بامریند از تحلیل عمقی تعامل والد-کودک حاصل آمد. (شافر، ۲۰۰۰، به کیز و همکاران، ۲۰۱۴). دایانا بامریند (۱۹۹۱) با مشاهده تعامل های والدین با فرزندان پیش دبستانی در خانه و آزمایشگاه اطلاعات فراوانی درباره تجارب فرزند پروری جمع آوری کرد. وی دریافت که شیوه های مختلف فرزند پروری در دو بعد با یکدیگر متفاوتند. بعد اول "توقع دار" والدین استانداردهای بالایی را برای فرزندان خود تعیین می کنند و تأکید دارند که فرزندان شان به آن استانداردها دست یابند و بعضی دیگر از والدین از فرزندان خود توقع کمتری دارند و به ندرت سعی می کنند در رفتار فرزندان شان نفوذ داشته باشند. بعد دوم "پذیرندگی" است، گروهی از والدین نسبت به فرزندان خود پذیرنده و قبول کننده هستند همانطور که در جدول ۱-۲ نشان داده شده است، ترکیب گوناگون دو بعد پذیرندگی و توقع داشتن، چهار شیوه فرزند پروری را به وجود می آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آنها متمرکز است: مستبدانه، مقتدرانه و آسان گیر. چهارمین شیوه یعنی طرد کننده را محققان دیگر مورد مطالعه قرار داده اند (برک، ۱۹۹۷)

طبقه بندی دو بعدی سبک های فرزند پروری: جدول ۱-۲

ناپذیرنده	پذیرنده	
شیوه مستبدانه	شیوه مقتدرانه	متوقع
شیوه طرد کننده	شیوه آسان گیر	بی توقع

شیوه مستبدانه:

والدینی که شیوه مستبدانه را به کار می برند، متوقع نیز هستند، اما همنوایی آنها آنقدر زیاد است که وقتی فرزندان تمایل به اطاعت ندارند نسبت به آنها بی علاقه می نشان می دهند و حتی آنها را طرد می کنند. هرگاه فرزند حرف والدین را بدون چون و چرا نپذیرد متوسل به زور و تنبیه خواهند شد. بامریند به این نتیجه رسید که فرزندان والدین مستبد، مضطرب، گوشه گیر و ناشاد هستند. این کودکان در تعامل با همسالان در صورت ناکامی، دشمنی و خصومت از خود نشان می دهند. (همان منبع)

شیوه آسان گیر (سهل انگارانه):

والدین سهل گیر در عین حال که به ظاهر نسبت به کودک خود حساس هستند اما توقع چندانی از آنها ندارند. فقدان خواسته های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک، همواره از ویژگی های این سبک به شمار می رود. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده اند که هنگام مواجهه با ناملایمات تمایل به واپس روی دارند (بامریند ۱۹۹۱). نوجوانانی که به شیوه آسان گیری پرورش یافته اند نسبت به نوجوانانی که والدینشان از روش مناسب استفاده می کنند کمتر در یادگیری کلاس شرکت می کنند (برجلی، ۱۳۸۷) به نقل از نیکخواه بهرامی، ۱۳۸۹).

سبک های رفتاری مقتدرانه:

در این شیوه فرزند پروری والدین واقعیت ها و بینش های شناختی را به کودکان خود منتقل می سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک و در رد کردن یک رهنمود از خود نشان می دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می جویند. والدین قاطع و اطمینان بخش به تلاش های کودکان در جهت جلب حمایت و توجه پاسخ می دهند و از تقویت های مثبت بیشتری استفاده می کنند. بر این اساس والدین قاطع و اطمینان بخش همواره در تلاشند تا فعالیت های کودک را به شیوه ای عقلانی و موضوع دار هدایت کنند (بامریند، ۱۹۹۱). پژوهش هایی که همبستگی فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش را در نوجوانی مورد آزمون قرار داده اند، گزارش کرده اند که بین این شیوه و بسیاری از جنبه های شایستگی در نوجوانی رابطه وجود دارد. این شایستگی ها شامل سطح بالای خودرشد یافتگی اخلاقی و اجتماعی، نسبت یادگیری در مدرسه و پیشرفت درس در دبیرستان می شود (برک، ۱۹۹۷).

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر ابتدایی پایه ششم ابتدایی منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ است که شامل ۳۹۴ نفر می باشند. حجم نمونه ۱۹۶ نفر از دانش آموزان که بر اساس فرمول مورگان و با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

پرسشنامه تاب آوری کونور و دیویدسون: این پرسشنامه توسط دو نظریه پرداز مشهور این حوزه یعنی کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) ساخته شده است و دارای ۲۵ گویه بوده که در مقیاس لیکرت بین کاملاً نادرست و کاملاً درست نمره گذاری می شود. این مقیاس در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) برای استفاده در ایران هنجار شده است. و روایی و پایایی آن به دست آمد مقدار روایی این مقیاس بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ به دست آمده است. همچنین به منظور تعیین پایایی مقیاس تاب آوری کاتر و دیویدسون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و ضریب پایایی حاصله برابر ۰/۸۹ بود. و همچنین هاشمی و جوکار (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تاب آوری را برابر ۰/۸۷ و پایایی این پرسشنامه را برابر ۰/۷۳ به دست آوردند. همچنین در پژوهش حاضر ضرایب اعتبار (همانگی درونی) در خرده مقیاسهای تشکیل دهنده برای پرسشنامه تاب آوری به روش آلفای کرونباخ به این ترتیب است که: تصور شایستگی فردی، ۰/۷۵؛ اعتماد به گرایش فردی، ۰/۸۷؛ تحمل عاطفه منفی، ۰/۷۴؛ پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، ۰/۸۲ و کنترل و تأثیرات معنوی، ۰/۸۴ بدست آمد که از پایایی خوبی برخوردار بوده است.

پرسشنامه فرزند پروری دایانا بامریند: پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دایانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. روایی این پرسشنامه توسط بورای (۱۹۹۱) تأیید شد و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ۳۸٪ و اقتدار منطقی ۴۸٪ دارد. و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت و همچنین برای پایایی این پرسشنامه نتایج زیر را بدست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری (مهرافروز، ۱۳۷۸).

در انستیتو روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روان پزشکی خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است (دییاجی، ۱۳۸۷). ضرایب اعتبار (همانگی درونی) در پژوهش حاضر در خرده مقیاسهای تشکیل دهنده برای پرسشنامه سبک فرزند پروری

به روش آلفای کرونباخ به این ترتیب است که: سبک فرزند پروری مقتدرانه ۰/۸۶، سبک فرزندپروری مستبدانه ۰/۷۲ و سبک فرزندپروری سهل-گیرانه، ۰/۷۰ بدست آمد که از پایایی خوبی برخوردار بوده است.

یافته های توصیفی متغیرهای تحقیق:

جدول ویژگی های توصیفی مربوط به مولفه های سبک فرزندپروری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	تعداد نمونه
مقتدرانه	۴.۵۶	۴.۲	۱	۷	۱۹۶
مستبدانه	۵.۸۷	۱.۹	۱	۷	۱۹۶
سهل گیرانه	۴.۴۷	۵.۹۸	۱	۷	۱۹۶

جدول ویژگی های توصیفی مربوط به مولفه های تاب آوری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	تعداد نمونه
مدیریت هیجان	۳.۶۲	۰.۸۷	۰	۴	۱۹۶
کنترل استرس	۳.۵۸	۰.۸۸	۱	۴	۱۹۶
خودتنظیمی	۳.۹۴	۰.۳۵	۱	۴	۱۹۶

یافته های استنباطی

به جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی از آزمون اسمیرنوف- کلموگروف استفاده شد و این نتایج به دست آمد.

جدول بررسی شاخص های آماری مربوط به آزمودنی ها

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	k-s آزمون
سبک فرزندپروری	۱۹۶	۱۷۸/۳۵	۱۴/۵۹	۰/۳۲۴
تاب آوری	۱۹۶	۷۸/۰۸	۳/۷۶	۰/۴۲۱

فرضیه اصلی پژوهش:

بین سبک فرزندپروری والدین با تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به طور معنی داری رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در زیر آمده است.

جدول نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین فرزندپروری والدین با خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر

متغیرها	نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	Sig	نوع رابطه	شدت رابطه
سبک فرزندپروری تاب آوری	۱۹۶	۰/۳۰۱**	۰/۰۰۱	معنادار است	۵۰٪

با توجه به نتایج به دست آمده ضریب همبستگی می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ درصد خطای کوچکتر از ۰/۰۰۱ بین متغیرهای بین سبک فرزندپروری با تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران رابطه وجود دارد. از طرفی با توجه به ۲ محاسبه شده این رابطه که برابر با ۰/۵۰ است رابطه معناداری می باشد. پس می توان چنین نتیجه گرفت سبک فرزند پروری والدین بر تاب آور کردن فرزندان تأثیر دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۲) ، پورسید و پورسید (۱۳۹۰) ، زارعی (۱۳۸۸) ، داداشزاده فهیم (۱۳۸۳) ، ذاکری (۲۰۱۰) ، جنیفر و پاترسون (۲۰۰۶) . لاملی و هارکنی (۲۰۰۷) ، همخوان می باشد. در تبیین یافته پژوهش حاضر می توان گفت همواره موضوع فرزند پروری و تاب آوری یکی از دغدغه های مهم والدین بوده است. تاب آوری نه صرفا یک صفت درون فردی و ایستا بلکه یک فرایند پویا است که در بافت خانواده پرورش می یابد روابط والدین و فرزندان نظام شبکه ای درهم پیچیده ای است که در اثر کنش متقابل شکل می گیرد و از طریق روش های تربیتی روی فرزندان تأثیر می گذارد. رابطه و تعاملات در خانواده یکی از عواملی است که باعث شکل گیری تاب آوری می شود. همچنین در تحقیقی با عنوان "شیوه های تربیتی والدین و تاب آوری" که در سال (۱۳۸۴) توسط ذاکری و همکاران به انجام رسید محققان به این نتیجه رسیدند که یکی از فاکتورهای مؤثر در ایجاد و رشد تاب آوری کودکان و نوجوانان ، روشهای رابطه والدین با فرزندان است. این روش ها شامل روش کودک (فرزندسالاری) و حمایت گرایانه (دموکراسی) و صمیمیت در رابطه با فرزندان است. فرضیه فرعی اول:

بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین و ابعاد تاب آوری (مدیریت هیجان، کنترل استرس، خودتنظیمی) دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین فرزندپروری مقتدرانه با خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر

متغیرها	نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	Sig	نوع رابطه	شدت رابطه
فرزندپروری (مقتدرانه)	۱۹۶	۰/۶۴۱	۰/۰۰۱	معنادار است	۶۶٪
مدیریت					
هیجان					
تاب آوری					
کنترل استرس					
خودتنظیمی					

با توجه به نتایج به دست آمده ضریب همبستگی می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ درصد خطای کوچکتر از ۰/۰۰۱ بین متغیرهای بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ تهران رابطه وجود دارد. از طرفی با توجه به ۲ محاسبه شده این رابطه که برابر با ۰/۶۶ است رابطه معنادار می باشد. پس می توان چنین نتیجه گرفت سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین در تاب آور کردن دانش آموزان پایه ششم تأثیر معناداری دارد و فرضیه پژوهش موردتأیید قرار می گیرد. این یافته ها با نتایج پژوهشهای بوری و همکاران (۱۹۸۸) ، لامبورن (۱۹۹۸) ، بامریند (۱۹۹۱) ، نوم (۱۹۹۹) و انار (۱۹۹۴) ، رابی (۱۹۹۷) دوایری و منتشر (۲۰۰۶) ، (اولسون

و همکاران (۲۰۰۳)، (باربروین ۲۰۰۲)، (رابی و اسپنس ۲۰۰۴)، (اسپوکس ۲۰۰۷)، (آنولا ۲۰۰۰) و (شافروکیپ ۲۰۰۷) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می کنند فعالیت فرزندان خود را به شیوه منطقی هدایت و آنها را ترغیب می کنند؛ علاوه بر آن وقتی کودکان نافرمانی می کنند بدون آنکه بیش از اندازه آنها را محدود کنند، کنترل قاطعانه ای را بر آنها اعمال می کنند. این گونه والدین به نیازها و علایق فرزندانشان بهامی دهند ولی استانداردهای مشخصی را نیز برای رفتار آنها تعیین می کنند.

فرضیه فرعی دوم:

بین سبک فرزندپروری مستبدانه والدین و ابعاد تاب آوری (مدیریت هیجان، خودتنظیمی، کنترل استرس) دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول (۹-۴) نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین فرزندپروری سهل گیرانه و خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر

متغیرها	نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	Sig	نوع رابطه	شدت رابطه
فرزندپروری (مستبدانه)	۱۹۶	۰/۴۱۵*	۰/۰۰۵	معنادار است	۵۰٪
مدیریت هیجان					
تاب					
آوری					

باتوجه به نتایج به دست آمده ضریب همبستگی در جدول ۹-۴ می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۵ درصد خطای کوچکتر از ۰/۰۰۵ بین متغیرهای بین سبک فرزندپروری مستبدانه با خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ تهران رابطه وجود دارد و از طرفی با توجه به محاسبه شده این رابطه که برابر با ۰/۵۰ است رابطه معنادار می باشد. در تبیین این یافته پژوهشی می توان گفت والدین مستبد بر اطاعت تأکید دارند، واز زور برای مهار اراده شخصی کودکان، مطیع نگهداشتن و محدود کردن خود پویی آنها، و ممانعت از بده -بستان کلامی استفاده می کنند. فرزندان این والدین فاقد مرزهای روشن و مشخص برای سازندگی می باشند. فرزندان آنان نمی توانند در برقراری پیوندهای اجتماعی پیشگام بوده و اعتماد به نفس داشته باشند به همین دلیل هرچه پدر و مادر مستبدتر باشند، تاب آوری فرزندان کمتر خواهد بود و مشکلات روحی و روانی برای آنان در پی خواهد داشت.

فرضیه سوم فرعی:

بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه والدین با ابعاد تاب آوری (مدیریت هیجان، خودتنظیمی، کنترل استرس) دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین فرزندپروری سهل گیرانه و خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر

متغیرها	نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	Sig	نوع رابطه	شدت رابطه
فرزندپروری (سهلگیرانه)	۱۹۶	-۰/۱۴۵**	۰/۰۰۵	معنادار است	۲۴٪
مدیریت هیجان					
تاب					
آوری					

باتوجه به نتایج به دست آمده ضریب همبستگی می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۵ درصد خطای کوچکتر از ۰/۰۰۵ بین متغیرهای سبک فرزندپروری سهل گیرانه با خرده مقیاسهای تاب آوری دانش آموزان دختر پایه ششم منطقه ۶ تهران رابطه منفی وجود دارد. از طرفی با توجه به ۲ محاسبه شده این رابطه که برابر با ۰/۲۴ است رابطه معنادار می باشد. پس می توان گفت سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین در تاب آور کردن دانش آموزان پایه ششم تأثیر معناداری ندارد. یعنی هرچه میزان سهل گیر بودن والدین افزایش یابد، تاب آوری کاهش می یابد بنابراین فرضیه پژوهش رد می شود. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهشهای بسیاری از پژوهشگران مانند بورای (۵) و حسینیان آقا ملکی (۵۳۱۳ به نقل از ماسن، ۵۱۱۰)، بامریند (۵۳۳۰ حاجی زاده، ۳۱۹) همسوست. در تبیین این یافته می توان گفت که در خانواده دارای شیوه فرزندپروری سهل گیرانه، گاهی والدین مهربان هستند و بیش از حد از کلمات عاطفی استفاده می کنند و نظم و ترتیب و قانون اندکی در میان افراد خانواده حاکم است. افراد در این نوع خانواده، تکانشی هستند و از عزت نفس پایینی در مواجهه با موارد بیرونی برخوردارند و همچنین در مقابل فشارهای روانی دچار مشکل می شوند. والدین در چنین خانواده هایی نه خود آرامش دارند و نه می توانند زمینه آرامش را برای سایر اعضا فراهم آورند در این شیوه تربیتی یاد می گیرند که به هنگام نارضایتی با گریه و زاری و پرخاشگری به خواسته های خود برسند یکی دیگر از دلایل بی کفایتی این والدین تناقض موجود در میان گفتار و کردارشان است. در چنین شرایطی کودک دچار سر درگمی می شود.

نتیجه گیری:

به طور کلی بر اساس آنچه دریافت شده نشان داده شد می توان اینگونه نتیجه گرفت. شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند ، نقش اساسی در تأمین سلامت روانی فرزندان و تاب آوری آنها دارد. و در سایه ارتباط سالم است که می توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تأمین و ارضای آنها همت گماشت. همانگونه که اشاره شد ، هریک از این شیوه‌ها اثراتی بر رفتار کودکان دارند که در این میان اثرات مخرب و منفی شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه بیشتر است . آنچه اهمیت دارد این است که طبق تحقیقات انجام گرفته یافته های پژوهشی توصیه می کنند والدین مطلوب ترین الگوهای تربیتی و فرزند پروری را به کار گیرند. شیوه فرزند پروری مقتدرانه از بهترین روش های تربیتی است که در پژوهش های بسیاری بدان پرداخته شده است از جمله "بامریند هم بر مبنای پژوهش خود نتیجه گرفت که والدگری آمرانه [مقتدرانه] که قاطعانه ولی گرم، پرورش دهنده ، و توأم با محبت است، بیش از سایر روش ها به اجتماعی شدن کودکان کمک می کند". (رایس فلیپ، ترجمه فروغان ۲۴۲)

منابع

- برجعلی، احمد (۱۳۷۸) تاثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران. رساله دکترا دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی علامه طباطبایی.
- برک، لورای (۲۰۰۱) روانشناسی رشد، جلد اول، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات ارسباران. ۱۳۸۵
- خزائی، پ، ۱۳۸۶، تاب آوری، ظرفیت غلبه بردشواریهها، پایداری ها و بهسازی خویشتن، مرکز مشاوره، دانشجویی و معاونت دانشجویی و فرهنگی.
- خورشیدی، عباس. (۱۳۸۱) رفتار والدین و تربیت فرزندان، تهران، نشر یسپرون .
- خواجه پور، مهناز و عطار، حمید (۱۳۸۸). مقایسه شیوه های فرزند پروری بررسی رابطه آنها در دانش آموزان دختر و پسر پیش دانشگاهی نواحی ۴ گانه آموزش و پرورش شهر شیراز، مجله نوین تربیتی، دوره ۸، شماره یک، ص ۲۵-۳۶.
- جمشیدی سولکمو، بهنام. عرب مقدم، نرگس. درخواست، فریده (۱۳۹۲). رابطه دینداری و تاب آوری در دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز. مجله اندیشه های نوین تربیتی. دانشگاه الزهراء. دوره ۱۰. شماره ۱
- رایس، فلیپ، رشد انسان، ترجمه مهشید فروغان، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۸.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۰) روانشناسی عمومی، تهران: طوس
- شیلینگ لوئیس. ۱۳۷۲: نظریه های مشاوره، ترجمه خدیجه آرین. تهران: انتشارات اطلاعات.
- کاویانی، زینب. حمید، نجمه. عنایتی، میرصلاح الدین (۱۳۹۳). تاثیر درمان شناختی - رفتاری مذهب محور بر تاب آوری زوجین. نشریه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، دوره ۱۵. شماره ۳
- عاقبتی، اسما، یکه یزدان دوست، رخساره، طباطبایی، محمود (۱۳۸۵) اثربخشی مداخله گروهی شناختی رفتاری بر روابط بین فردی اضطراب و نگرش های نا کارآمد دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد انستیتو روانپزشکی تهران.
- قره داغی، اُشفیع آبادی، ع، اسدزاده، ح، ۱۳۹۱، بررسی رابطه کیفیت زندگی و سبک های فرزند پروری والدین با سطح تاب آوری و عملکرد تحصیلی فرزندان آنان در منطقه ۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران جنوب.
- مهر افروز، حجت اله (۱۳۷۸) بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه های فرزند پروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- مینوچین، سالوادور (۱۳۸۶) خانواده و خانواده درمانی ترجمه باقر ثنائی. انتشارات امیرکبیر تهران.
- محمدی، مسعود (۱۳۸۴) بررسی عوامل موثر بر تاب آوری تاب آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد. رساله دکتری چاپ نشده دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- یوسفی، فریده (۱۳۸۶) ارتباط سبک های فرزند پروری والدین با مهارتهای اجتماعی و جنبه هایی از خود پنداره دانش آموزان دبیرستانی مقاله. دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم شماره ۲۲.

- Baumrind D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition In P.A. Cowan & E.M. Hetherington (Eds). Family transitions. (vol. 2 pp. 111-163). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Berk, L.E. (1997). Child development, fourth edition.
- Connor-Davidson JR (2003). Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience scale (CD-RISC). Depress Anxiety.
- Garmezy, N., & Masten, A. (1991). The protective role of competence indicators in children at risk.
- MacDermid, Shelly M., Samper, Rita, Schwarz, Rona, Nishida, Jacob, Nyaroga Dan. (۲۰۰۸). Understanding and promoting resilience in military families. Military Family Research Institute at Purdue University: www.cfs.purdue.edu/mfri